



• درآرماند:

حجت الاسلام و المسلمین سیدعلی اکبر محتشمی پور، هنگام شکل‌گیری جریان‌ات اسلامگرا در برخی کشورهای خاورمیانه همچون فلسطین و لبنان به دلیل مسئولیت دیپلماتیک که در آن زمان داشت، در منطقه به سر می‌برد و از نزدیک شاهد بارور شدن گرایش‌ها و تمایلات دینی میان بسیاری از کادرها و هواداران سازمان‌های ناسیونالیست و چپگرا و به‌طورکلی سازمان‌هایی بود که میان راه، خسته شده و به سازش با اشغالگران قدس تن دادند. به‌منظور بازخوانی تحولات سه دهه گذشته در فلسطین و نقش شهید فتحی شقایق در تبلور گرایش‌ات دینی به پای خاطرات ایشان نشستیم که از نظر تان می‌گذرد.

گفتگوی شاهد یاران با حجت الاسلام و المسلمین محتشمی پور
دیرکل کنفرانس حمایت از ملت فلسطین

او شیفته امام و اندیشه اسلام ناب بود...

سازش‌کاری هستند که در صددند اسرائیل را به رسمیت بشناسند، همان‌طور که در ایران بودند کسانی که می‌خواستند شاه را نگه دارند، ولی ما آنها را طرد کردیم. خطاب امام به فتحی شقایق و رهبران جنبش اسلامی بود. اما در واقع منظور، همه فلسطینیانی بود که دنبال سازش با اسرائیل بودند. این‌ها باید از فلسطین طرد شوند. امام این‌گونه با او صحبت کرد که وقتی دکتر شقایق از پیش او آمد، روح تازه‌ای پیدا کرد. علت این که او در نوشته‌ها، مقالات و سخنرانی‌هایش دائماً از انقلاب و امام نام می‌برد، شیفتگی‌ای بود که نسبت به امام و آن حقیقت و حقیقتی که در اندیشه ناب اسلامی امام وجود داشت، پیدا کرده بود. من همان‌طور که در مقدمه عرض کردم وقتی رهبران جهاد اسلامی در زندان‌های رژیم صهیونیستی بودند، جسته گریخته اطلاعات و اخبارشان را دریافت می‌کردیم. چون بنده قبل از پیروزی انقلاب در عراق بودم. بعد، خدمت امام به پاریس رفتم و از آن جا به ایران آمدم و سفیر ایران در سوریه شدم. از آنجا مجدداً به ایران بازگشتم و در وزارت کشور مشغول شدم. یکی از برنامه‌های اصلی‌ام پیگیری مسائل فلسطین و کمک به آنان بود. قبل از شکل‌گیری جهاد اسلامی ما حرکت فلسطین در فلسطین نداشتیم. اما شنیده بودیم که یک گرایش بسیار قوی و محکم به اسلام در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به وجود آمده و در زندان‌ها جوانان و روشن‌فکران برجسته‌ای از فلسطینیان وجود دارند که با اندیشه‌ها و افکار امام انس گرفتند و راه نجات را در الگوگیری انقلاب ایران و اندیشه و افکار امام می‌دانند. وقتی خبر فرار تعدادی از شخصیت‌ها و رهبران جهاد اسلامی از زندان‌های رژیم صهیونیستی بیرون آمد، متوجه شدیم که طلایه‌دار این حرکت مبارک، این چهره‌ها و شخصیت‌ها هستند. به هر حال من قبل از ملاقات با دکتر شقایق، آثار حرکت و اندیشه او را در دوره پس از حرکت اشغالی و در زندان‌های اسرائیل دیده بودم.

شما به عنوان سفیر ایران در سوریه که در آن زمان مطمئناً پیگیر حوادث تحولات و مواضع کشورهای عربی و حداقل خط مقدم بودید، این تأثیر پذیری جنبش جهاد اسلامی از امام چه بازتابی در بین مردم و نظام‌های آن کشورها، داشت؟

بحث بازتاب جریان جهاد اسلامی که اولین سازمان و تشکیلات

در ملاقاتی که با امام داشت، تحول بزرگ در شهید شقایق پیدا شد؛ یعنی آنچه در میان کتاب‌ها بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها از دور دیده بودند، از نزدیک لمس کردند و از علم‌الیقین به عین‌الیقین رسیدند؛ علم‌الیقین این است که انسان استدلال‌ها و مطالب را از دور ببیند و برایش علم حاصل شود. اما بعضی مواقع هست که انسان به عین‌الیقین می‌رسد؛ یعنی انسان دودری را از دور مشاهده می‌کند و علم پیدا می‌کند که آنجا آتشی روشن است و این دود محصول و نتیجه آن است، اما وقتی که وارد آتش می‌شود و شعله‌های آن را درک می‌کند به عین‌الیقین می‌رسد. شهید شقایق و رهبران جهاد اسلامی وقتی امام را دیدند با تمام وجودشان علمی که از ایشان در گذشته داشتند را احساس کردند. البته امام گوهرشناس بود؛ وقتی فتحی شقایق را از نزدیک دیدند، احساس کردند که ایشان از کسانی است که برای دریافت مسائل، ظرفیت بالایی دارد. امام با هر کسی این گونه صاف و بی‌پیرایه صحبت نمی‌کرد. ولی با فتحی شقایق مانند یاران نزدیک خودش که ۴۰-۳۰ سال با آنها حشر و نشر داشت، برخورد کرد. در آن جلسه امام مطالبی را فرمود، خواسته‌هایی را از شهید شقایق داشت و گفت که شما این جهاد و مبارزه را باید تا آزادی کامل فلسطین و تا زمانی که حتی یک نفر صهیونیست در آن جا وجود دارد، ادامه دهید. در میان شما رهبران

شهرت‌مندی شقایق



امام گوهرشناس بود؛ وقتی فتحی شقایق را از نزدیک دیدند، احساس کردند که ایشان از کسانی است که برای دریافت مسائل، ظرفیت بالایی دارد.

در آستانه دوازدهمین سالگرد شهادت دکتر شقایق هستیم. خوب است به‌عنوان شروع بفرمایید که اولین ملاقات شما با ایشان کی و کجا بود؟

دکتر شقایق یکی از رهبران ارزشمند و بزرگ مقاومت اسلامی در فلسطین است. شهادت ایشان ضربه بزرگی به جهاد و مقاومت در فلسطین زد و فقدان ایشان در عرصه فلسطین جبران‌ناپذیر است. من به دوستان ایشان و مردم فلسطین و تمام کسانی که عاشق آزادی فلسطین و قدس شریف هستند تسلیت می‌گویم. ایشان بعد از تبعید به همراه هم سنگرانشان از فلسطین به لبنان آمدند. در این اثنا سفری هم به ایران داشتند. در آن سفر دکتر شقایق و دوستانش ملاقات‌هایی را با مقامات ایرانی داشتند بنده آن زمان وزیر کشور بودم، در وزارت کشور پذیرای این عزیزان بودیم. پاتوجه به این که من از سال ۱۳۴۲ که با موضوع فلسطین به صورت مشخص و نزدیک در عراق، نجف، سوریه و لبنان مرتبط بودم و با بسیاری از چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته مذاکره می‌کردم، برای من نشست، حضور و گفتگو با اسران کشورهای اسلامی به خصوص آقای فتحی شقایق که از روحیه بسیار عالی و خوبی برخوردار بود و عمق مسائل جهادی و اسلامی را درک می‌کرد و با تمام وجودش بر اساس مبانی اسلامی، جهاد و مقابله را آغاز کرده بود، خیلی معتنم بود. این خیلی مهم بود که او مقاومت و جهاد را براساس اندیشه امام و اسلام ناب انتخاب کرده بود و این گونه نبود که انگیزه‌های شخصی یا حتی ملی‌گرایانه و قومی، قبیله‌ای موجب انتخاب این راه شده باشد. ایشان خیلی علاقه‌مند بود که ملاقاتی را با امام و سایر شخصیت‌های سیاسی و مذهبی، علاوه بر مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. در آن زمان آقای مهندس موسوی نخست‌وزیر، آقای رفسنجانی رییس مجلس، آیت‌الله‌خامنه‌ای رییس‌جمهور و تعدادی از مقامات در قم و تهران نیز بودند. ایشان در خواست کردند که با امام ملاقات داشته باشند. چون در زندان که بودند با اخباری که از داخل فلسطین داشتیم، می‌دانستیم تعدادی از شخصیت‌های برجسته فلسطینی عکس‌ها را در سلولشان زدند و با افکار، اندیشه‌ها، اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و کتاب‌های امام انس دارند لذا من در خواست آنها را منتقل کردم.



شهر شهید شقافی



من تصورم این است که علت شیفتگی و عشق دکتر شقافی به امام، عشق به شخص او نبود. بلکه عشق به اندیشه‌های او بود که این اندیشه در جهان اسلام منحصر به فرد بود.

مرحوم شقافی ولو این‌که تخصصش در علوم جدید بود، یک اندیشمند اسلامی، اهل مطالعات فقهی و مبانی اسلامی هم بود و تحقیق و مطالعه می‌کرد. در عرصه جهان اسلام و فلسطین خودش به عنوان یک کارشناس اسلامی مطرح بود. لذا با چنین رویکرد کارشناسانه‌ای به افکار و اندیشه‌های فقهای جهان اسلام، مراجع تقلید و سنتی‌های اهل سنت نگاه و افکار و اندیشه‌های آنها را بررسی می‌کرد. دکتر شقافی با توجه به سطح معلومات شخصی خود و آگاهی که از علما و اندیشمندان مذهبی در ادیان طوائف مختلف داشت، احساس کرد که تنها فقیه مجتهدی که می‌تواند اندیشه و افکارش برای ملت فلسطین و قدس شریف راهگشا باشد، امام خمینی است. هیچ یک از مراجع، علما، فقها و شخصیت‌های علمی اسلامی در مذاهب مختلف جهان را به عنوان محوریت‌ترین کار برای مبارزات فلسطین و جهان اسلام نمی‌دانستند. تنها فقیه و عالم وارسته‌ای که مقاومت و جهاد را در رابطه با آزادی ایران اسلامی، آزادی فلسطین و کل جهان اسلام انتخاب کرده بود، امام بود. براین اساس اندیشه فقهی امام کلاماً در انتخاب دکتر شقافی تأثیرگذار بود و این ارتباط سیر سرنوشت‌ساز او را تعیین کرده بود. اگر امام نبود معلوم نبود که دکتر شقافی چه سرنوشتی را در حیاتش داشت شاید او مدتی مبارزه می‌کرد و بعد از زندان کار تخصصی خودش را ادامه می‌داد و به عنوان یک شخصیت برجسته فلسطینی از نظر آکادمیک مطرح می‌شد و یک حرکت جزئی هم می‌کرد. اما ارتباطش با امام در او یک تحول عظیمی را به وجود آورد و او را مصمم کرد که در پرتو اندیشه امام تا آخر خط برود و تا زمانی که بتواند فلسطین، اهل سنت و مردم آن را آزاد کند به این راه ادامه دهد. به همین دلیل من تصورم این است که علت شیفتگی و عشق دکتر شقافی به امام عشق به شخص او نبود. بلکه عشق به



اندیشه‌های او بود که این اندیشه در جهان اسلام منحصر به فرد بود. نقش و جایگاه دکتر شقافی در شکوفایی نهضت اسلامی در دهه هشتاد قرن گذشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من یک بار قبلاً هم این را گفتم دکتر شقافی و جهاد اسلامی طراه‌دار نهضت اسلامی فلسطین هستند؛ یعنی ما در طول تاریخ انقلاب و نهضت فلسطین از شصت سال پیش تاکنون هیچ‌گونه حرکت اسلامی در میان سازمان فلسطین نداشتیم. حرکت‌ها یا قوم‌گرایانه یا ملی‌گرایانه یا کمونیستی و چپی بود. اما اجازه تحرک اسلامی داده نمی‌شد. اگر کسانی می‌خواستند حرکت اسلامی داشته باشند الگویشان باید یکی از کشورهای عربستان، پاکستان یا ایران باشد. که این کشورها همه متقابل به غرب و آمریکا بودند و کشوری که یک حرکت اصیل انقلابی و جهادی در رابطه با فلسطین داشته باشد وجود نداشت. در میان علمای اسلام هم فرد یا افرادی نداشتیم که اندیشه و تفکر مقاومت و جهادی داشته باشد. بر این اساس در درون فلسطین ما چنین حرکتی را نداریم البته قرن‌ها قبل از شکل‌گیری سازمان‌های فلسطینی جریان اخوان المسلمین وجود داشت. اما جریان‌ها نبود که بتواند یک تشکل منسجم جهانی را به وجود آورد ممکن است دکتر شقافی متأثر از برخی چهره‌ها و شخصیت‌های اخوان المسلمین در گذشته بوده باشد اما چیزی که در او تحول ایجاد کرد، ارتباطش با امام و اندیشه جهادی او بود. پس بر این اساس اگر نهضت اسلامی در فلسطین آغاز شد کلیدش را دکتر شقافی زد. جهاد اسلامی طراه‌دار این حرکت بود و به دنبال او گروه‌های اسلامی آمدند و وارد عرصه جهاد و مبارزه شدند.

آیا این اندیشه‌ها که نام بردید هنوز نیازمند انتشار در داخل فلسطین هستند یا فکر می‌کنید به طور کامل در آن جا منتشر شده است؟

به نظر من باید در فلسطین کار شود و الان اندیشه جهادی و مقاومت موانع بزرگی روبرو است. موانعی چون اسرائیل، آمریکا و سلطه جوانان به اصطلاح غرب‌گرایان که در درون رهبران فلسطینی است. درست است که مردم فلسطین مردم باهوش و با استعدادی هستند ولی باید برای آنها تکرار شود. نکته‌ای را در این زمینه ذکر می‌کنم، کم هستند کسانی که هوای نفس ندارند و واقعیت‌های احکام اسلام را بیان می‌کنند این طور نیست که الزاماً هر عالم اسلامی آن چه را که می‌داند بیان کند، بلکه برخی از علمای اسلام هستند که بر اساس مصالح شخصی خودشان مطالبی را بیان می‌کنند و ممکن است حقایق را بگویند. مثلاً سلمان رشدی یکی از این نمونه‌هاست. او مرندی است که پیامبر اسلام و قرآن و صحابه و همه را تحریف کرده است. اما می‌بینیم که علمای اسلامی یا از ترس یا از سر و ابستگی همه سکوت کردند. اما تنها کسی که در جهان اسلام حکم اعدام او را صادر و حکم خدا را بیان کرد، امام خمینی بود. علی‌رغم تمام خطرها، من جمله قطع رابطه سیاسی و اقتصادی همه دنیا که برای ایران داشت و خواستند این کار را هم بکنند. اما امام گفت ما اصلاً نیازی به رابطه با دنیای غرب نداریم. نه از قطع رابطه با آنها ناراحت می‌شویم و نه برقراری رابطه ما را خوشحال می‌کند. برای ما فرقی نمی‌کند، برای ما اسلام اصل است. این تفکر و اندیشه یک اندیشه ناب است که در جهان اسلام و در عصر امام فقط در شخص او خلاصه می‌شد و از این حیث شهید شقافی زیر این پرچم قرار گرفت. این به خاطر ارتباط نزدیکی بود که جهاد اسلامی به وسیله رهبرانش با امام داشت و این افکار از طریق آنان به اعضای جهاد اسلامی در فلسطین انتقال داده می‌شد. اما گروه‌های دیگر اجازه نمی‌دادند این افکار به زیر مجموعه‌هایشان منتقل شود. بر این اساس باید کاری کرد که این اندیشه و افکار ناب به مردم فلسطین منتقل شود که البته نیازمند تلاش و کار بسیار است.

کلام آخر؟
کلام آخر من همان کلام اول من است و آن این که تنها راه نجات فلسطین مبارزه است. نه گفتگو و سازش با دشمن. دشمنی که با اشغال‌گری و زور، ملتی را به اسارت گرفته جز با قدرت از آن کشور خارج نخواهد شد. سفارش ما این است که الله‌الله فی الجهاد، الله‌الله فی الجهاد. ■

اسلامی، جهادی و مقاومتی در فلسطین است طبیعتاً بازتاب مثبتی در کشورهای عربی، اسلامی و بین سازمان‌های مختلف داشت اما این بازتاب صرفاً سیاسی بوده است. چرا که اگر تأثیر عملیاتی داشت باید همین ظرفیت‌هایی که در جهاد اسلامی بود در آنها هم وجود داشت؛ یعنی خمیرمایه مبانی اسلامی را این‌ها هم داشته باشند. اکثر سازمان‌های فلسطینی دارای خمیرمایه مارکسیستی و غیره و ذلک بودند و به جنبش جهاد غبطه می‌خوردند. به نیروهایشان می‌گفتند بیایید مثل جهاد اسلامی عملیات استشهادی داشته باشیم و در برابر دشمن این گونه مقاومت کنیم، تا به اهداف خودشان که آزادی قدس و مردم فلسطین می‌شدند. اما این روحیه در آنها نبود. جهاد اسلامی چون خمیرمایه‌های اسلامی داشت و از افکار و اندیشه امام و امام هم از اندیشه‌های کربلایی امام حسین (ع) الگو می‌گرفت، لذا این‌ها آماده هر گونه عملیات استشهادی برای عقب راندن دشمن می‌شدند. تا به اهداف خودشان که آزادی قدس و مردم فلسطین است، برسند. براین اساس سازمان‌های فلسطینی غیر اسلامی غبطه می‌خورند که چرا نیروهایشان نمی‌توانند کاری که جریان جهاد در فلسطین به وجود آورده را بکنند. سعی می‌کردند به آنها نزدیک شوند. من در سوریه که بودم اکثر سازمان‌های فلسطینی خواستار جلسه و ارتباط مستقیم با جمهوری اسلامی بودند. ما هم قبول می‌کردیم. اما بنده احساسی که نسبت به جریان‌های اسلامی، به خصوص جهاد اسلامی داشتم، نسبت به بقیه نداشتم. چرا که آنها واقعاً از درون قلب و با تمام وجودشان اسلام و حرکت جهاد و مقاومت را پذیرفتند، به همین خاطر برای ما جهاد به عنوان یک طراه‌دار مبارکی است. بعد از آنها بود که سایر جریان‌ها و گروه‌های مقاومت اسلامی در فلسطین به وجود آمدند.

از این ملاقات‌ها چه خاطره‌ای دارید؟
من خاطره ملاقات‌های زیادی با او داشتم. ولی یکی از ملاقات‌های حساس من با او در انتفاضه اول بود. زمان شهادت آن کارگران فلسطینی که اسرائیلی‌ها آنها را زیر گرفته بودند و باعث شروع انتفاضه شد. از طرف دیگر عملیات‌هایی که جهاد اسلامی داشت، انتفاضه‌ای را در درون اسرائیل و فلسطین به وجود آورده بود، همه مردم به خیابان‌ها کشیده شدند. ما در مجلس سوم قانونی را تصویب کردیم که یک کنفرانس بین المللی در دفاع از انتفاضه برگزار می‌شد. این قانون تصویب شد. به منظور دعوت مهمانان، بنده به چند کشور، که بیشترشان کشورهای آفریقایی (مثل تونس، الجزایر و لیبی) بودند، سفر کردم. در آن موقع دکتر فتحی شقافی در لیبی بود. آن جا با مقامات مختلف دولتی، فلسطینی و عرب‌ها گفتگو و ملاقات داشتم، در آنجا شهید شقافی با توجه به شناخت قبلی از ما دعوت کرد که به یک مهمانی شام در منزلش برویم. من گفتم که چون می‌خواهم با شما خصوصی صحبت کنم نمی‌خواهم نام‌مردم‌ها باشند بر این اساس فقط هیئت همراه ما و سفیر جمهوری اسلامی در لیبی در جلسه مهمانی شرکت کردند، یک منزل خیلی بسیط و مردمی داشت و با کسانی که در کاخ‌ها زندگی می‌کردند خیلی فاصله داشت. در سفری که به تونس داشتم یاسر عرفات ما را به مهمانی دعوت کرد که ۱۰-۲۰ نفر از رهبران سازمان آزادی‌بخش فلسطین در آن شرکت داشتند. غذایی که تدارک دیده بود شاید اگر صد نفر آن جا بودند را سیر می‌کرد. سفره خیلی اشرافی بود. برخورد شهید شقافی مثل این بود که به اردوگاه رفته و سر سفره دیگر فلسطینی‌ها نشسته است. این برای من خیلی ارزشمند بود. در آن جلسه ما طرح موضوع کردیم برای حمایت از انتفاضه که طراه‌داری آن در جهاد اسلامی بود، خیلی خوشحال شد و همه جریان‌ها از افکار و اندیشه‌های امام می‌دید. او در آن جلسه به ما گفت که کاری که جمهوری اسلامی می‌کند را هیچ کشور اسلامی و عربی جرأت ندارد که قدم به صحنه در دفاع از مردم فلسطین بگذارد و این‌ها از برکات اندیشه و تفکر امام است. در آن جا ایشان برخی از نوشته‌ها و کتاب‌هایی که در رابطه با امام و افکار و اندیشه‌های امام بود را به من هدیه کرد. برای من آن ملاقات یکی از خاطرات بسیار ارزشمند و زیبا است. همانگونه که حضرت‌عالی نیز اشاره داشتید، دکتر شقافی بسیاری از سخنرانی‌ها و آثار خودش را، درباره آگاهی از امام منتشر می‌کرد این نوع رویکرد تا چه حد در تقویت رویکرد جهاد و مقاومت در فلسطین تأثیرگذار بود؟